باسمه تعالی

من تسلیم

شماره ۶

کانون فرهنگی ورزشی بسیج مسجد ولی عصر عجل ا... تعالی فرجه الشریف

اشتراکات من و یک سوسک

پرده اول: کثیف‌ترین حشره عالم

انسانها از سوسک به‌دلیل ظاهر مشمئز کننده و کثیف آن متنفرند.
سوسک در مکان‌های تمیز و پاکیزه نمی‌تواند زندگی کند.

پرده دوم: سرگین شفا بخش سگ!!

مولوی در مثنوی داستان دباغی[1] را نقل کرده است که وقتی به بازار عطاران رسید تحمل بوی خوش را نداشت و بی‌هوش روی زمین افتاد.
مردم هرچه کردند و هر دارویی به‌کار بردند نتوانستند مرد دباغ را به هوش بیاورند تا این‌که خبر به برادرش رسید.
برادر بالای سر دباغ آمد و به‌طوری که مردم متوجه نشوند مدفوع سگ را زیر بینی او گرفت و دباغ به هوش آمد.

پرده سوم: وقتی لوّامه را رها کردم

از وقتی بد و خوب را از هم تشخیص دادم با «لوّامه»[2] آشنا شدم. هر وقت که می‌خواستم خودم را آلوده کنم به من نهیب می‌زد که مراقب باش. اما من به حرف‌هایش گوش نمی‌دادم و کم‌کم فاصله من و لوّامه زیاد شد.
طبعم عوض شد و نه تنها از آلودگی ناراحت نمی‌شدم بلکه احساس می‌کردم که بدون آن‌ها زندگی بی‌معناست.
من از بوی گندی که ملائکه را در عرش آزار می‌دهد، لذت می‌برم.[3]
من چرک و خون و کثافات را به راحتی مصرف می‌کنم.[4]
من به راحتی گوشت گندیده مردار و برادران خودم را می‌خورم.[5]
من ناقل انواع میکروب‌هایی هستم که انسان‌ها را با لوامه دشمن می‌کند.[6]
در اطراف من با کثافت‌هایی که خودم جمع کرده‌ام، پرده‌های ضخیمی کشیده شده است که دیگر نمی‌توانم زیبایی‌ها و حقایق عالم را ببینم.[7]
تمام زندگی من در لذت‌طلبی و پر کردن شکم می‌گذرد.

پرده چهارم: فکر خوردن مدفوع

یک‌نفر از حضرت آیت‌الله حجت پرسید: چگونه می‌شود که معصومین نه تنها گناه نمی‌کردند، بلکه به گناه فکر هم نمی‌کردند.
ایشان در جواب فرمود: «آیا شما تا الان که دستشویی رفته‌اید گاهی هم فکر خوردن آن کثافات را کرده‌اید.»
آن شخص جواب داد: «خیر»
ایشان هم فرمود: «گناه هم نسبت به معصومین همین‌گونه است، یعنی آن‌ها آن‌قدر به خباثت و پستی گناه یقین دارند که تو به پستی کثافات یقین داری»[8]

پرده پنجم: ارزش شکم پرست

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده‌اند:
«هر که همتش فقط آن باشد که چیزی در شکمش داخل کند ارزشش به‌اندازه چیزی است که از شکمش خارج می‌گردد.»[9]

پرده ششم: یک سؤال؟!

به نظر شما یک سوسک چه‌قدر می‌ارزد؟! آدمی چه‌قدر؟!
امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود:
«کسی که به شرف معنوی و کرامت نفس خود عقیده دارد با پلیدی گناه، خوارش نخواهد ساخت.»[10]

پرده هفتم: ریش سلمان یا دم سگ

روزی شخصی در مدائن به سلمان فارسی که حاکم آن‌جا بود گفت: «ای سلمان! ریش تو با ارزش‌تر است یا موی دم سگ من.»
سلمان اندکی تأمل کرد و فرمود: «اگر ریش من از پل صراط رد شد، ریش من، وگرنه موی دم سگ تو!»[11]

بی‌پرده: راه نجات

لوّامه می‌گفت: تنها راه پاکی و عوض کردن طبعی که به کثیفی عادت کرده است و ترک این زندگی سوسکی!!! آن است که سحر به حمام «توبه نصوح» بروی.[12]

---

۱. دباغ، کسی است که پوست گاو و گوسفند را برای تهیه کیف و کفش و لباس مهیا کند.
۲. و قسم به نفس بسیار ملامت کننده ـ سوره قیامت آیه۲
۳. رسول‌خدا (ص) فرمود: «مؤمن هرگاه بدون عذر دروغ بگوید هفتاد هزار فرشته او را لعنت می‌کنند و از درونش بویی خارج می‌گردد که تا عرش می‌رسد و حاملان عرش او را لعنت می‌نمایند، خداوند برای آن گناه هفتاد زنا برای او می‌نویسد که پست‌ترین آن‌ها زنا با مادرش می‌باشد.» مستدرک‌الوسائل ج۹ ص۸۶
۴. بر اساس آیات و روایات هر گناه باطن کثیفی دارد و گنهکار در قیامت آن را درک می‌کند.
۵. هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (سوره حجرات/۱۲)
۶. انسان گنه‌کار باعث آلودگی دیگران می‌گردد.
۷. خدا بر دل‌ها و گوش‌های آنان مهر نهاده و بر چشم‌هایشان پرده‌ای افکنده شده و عذاب بزرگی در انتظار آن‌هاست. (سوره بقره/۷)
۸. آثار گناهان ص۴۵
۹. تصنیف غررالحکم و درر الکلم ۲۵۷۷
۱۰. همان ۴۶۱۰
۱۱. اندرزنامه
۱۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید به سوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص. (سوره تحریم آیه۸)

هر شش شماره «من تسنیم» یک مسابقه با جوایز ارزنده